

منطقه گرایی و تاثیر آن بر صلح و امنیت بین الملل

سیروس مرادی کوچی

۱- دانشجوی دکتری حقوق عمومی از دانشگاه بین الملل قشم

چکیده

منطقه گرایی از چند جهت بر روابط بین الملل تاثیر گذاشته است. اول اینکه واحد یا سطح جدیدی را بر تحلیل روابط بین الملل افزوده است. دوم اینکه به تجربه ای برای کشورها برای ورود به دنیای جهانی شده قلمداد می شود. سوم اینکه به بازیگری در عرصه روابط بین الملل تبدیل شده است. این جنبه اخیر موضوع اصلی این مقاله است و به همین دلیل سوال مقاله حاضر این است که تجمع کشورها در قالب واحدهای منطقه ای چه تاثیری بر صلح و امنیت بین المللی می گذارد؟ فرضیه مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده آن است که چون منطقه گرایی مکانیسمی است که طی آن وابستگی متقابل کشورها افزایش می یابد، بنابراین نگرانی های امنیتی کشورهای عضو را کاهش می دهد. از آنجا که به قول بری بوزان امنیت بین الملل در نهایت حاصل جمع امنیت مناطق است، بنابراین منطقه گرایی صلح و امنیت بین الملل را ارتقا می بخشد. یافته های مقاله موید فرضیه مذکور می باشد؛ بدین معنی که که هرگاه منطقه گرایی به افزایش همکاری منجر شود، این همکاری به دستیابی کشورها به آنچه لیبرالیست ها دستاورد مطلق می خوانند، کمک می کند و این به نوبه خود تمایل کشورها به تامین امنیت خود از طریق زور را کاهش می دهد. نتیجه این روند شکل گیری یک دنیای صلح آمیز خواهد بود.

واژگان کلیدی: منطقه گرایی، امنیت بین الملل، وابستگی متقابل، دستاورد مطلق، نهادگرایی

۱- مقدمه

برای مدت‌های مدیدی تصور می‌شد که فقط جنگ است که موجب تهدید صلح و امنیت بین‌المللی می‌شود اما بعد ها ثابت شد صلح و امنیت بین‌المللی می‌تواند در مناقشات کشورها، تکثیر سلاح‌های کشتار جنگی، تغییرات جهانی آب و هوا و رویارویی کشورها برای تصاحب منابع آبی در کنار رشد جمعیت جهان و افزایش فقر بیکاری به ویژه رشد تروریسم می‌تواند از تهدیدات جدید صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد شود. به عبارت دیگر معضل فقر و تروریسم به اندازه خود جنگ‌ها زیان‌آور و وحشتناک است اگر کشورها بخواهند صلح و امنیت را همیشه داشته باشند باید مراقب موارد فوق باشند تا ضریب امنیت بین‌المللی کاهش نیابد بنابراین در این تحقیق تلاش داریم ثابت کنیم که هر موضوع انسانی که با سوء تفاهم کشورها مواجه شود می‌تواند منجر به اختلاف و تعارض و حتی جنگ شود. (آقای و همکاران، ۱۴۰۰) فرایند منطقه‌ای شدن واکنشی به عدم توانایی الگوی دولت-ملت در دستیابی به نتایج مطلوب بوده که به تحدید حاکمیت می‌پردازد. فصل هشتم منشور ملل متحد بر نقش موثر ترتیبات منطقه‌ای در حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای و حل اختلافات محلی از طریق این ترتیبات تاکید کرده است. در همین راستا خاورمیانه از میانه قرن بیستم، مرکز توجه جهانی به شمار می‌رفته است. منشور سازمان همکاری اسلامی با تاکید بر باورهای اسلامی بر ضرورت ارتقاء و تحکیم اتحاد و همبستگی دولت‌های عضو در تامین منافع مشترک خود در عرصه بین‌المللی تاکید کرده است. (حسینی، ۱۳۹۴)

۲- منطقه‌گرایی و امنیت بین‌الملل

منطقه‌گرایی به عنوان تجلی و نمود همکاری بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم در اروپا آغاز شد. ولی به تدریج این فرآیند در حوزه‌های جغرافیایی دیگر مانند آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی گسترش یافت. پایان جنگ سرد و نظام دو قطبی فرصت‌ها و امکانات جدیدی را برای تثبیت، تقویت و توسعه منطقه‌گرایی نوین فراهم ساخت. منطقه‌گرایی نوین از چهار جهت کارگزاری، انگیزه کارگزاران، جهت و گستره همکاری و همگرایی با منطقه‌گرایی کهن متفاوت است. از آنجا که تعامل وثیق و رابطه تنگاتنگی بین نظریه و عمل، به ویژه در تجربه همگرایی اروپایی وجود دارد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸)

شورای امنیت در اجرای وظایف ناشی از فصل هفتم محدودیتی ندارد استدلال خود را بر این اساس بنا نهاده اند که بند (۱) ماده ۱ منشور، مشتمل بر دو قسمت است. قسمت نخست آن مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از طریق اتخاذ اقدامات جمعی مؤثر است درحالی‌که قسمت دوم مربوط به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات است. از آنجا که در موضوع حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات، لزوم انطباق اقدامات شورای امنیت با اصول عدالت و حقوق بین‌الملل ذکر شده است. لذا هنگامی که شورای امنیت بر اساس فصل هفتم اقدام می‌کند ملزم به رعایت حقوق بین‌الملل نیست. اما

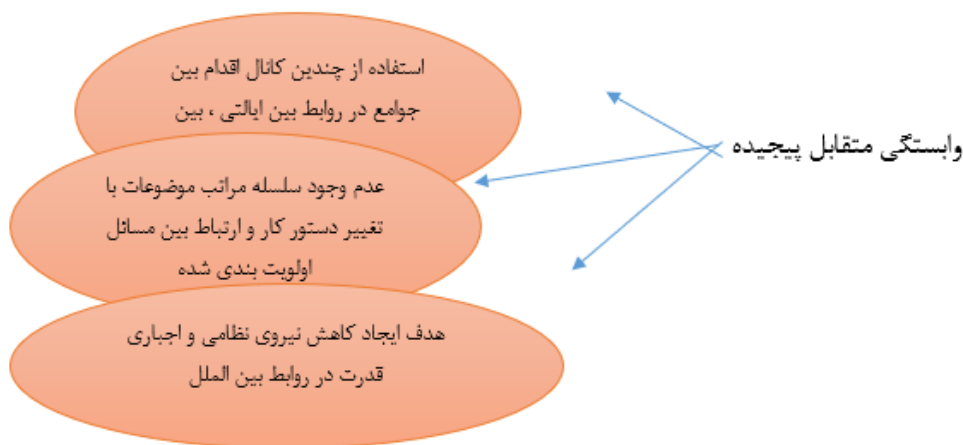
واقعیت این است که ارکان سازمان ملل، تابع حقوق بین الملل محسوب می شود و در ایفای وظایفشان ملزم به رعایت قواعد حقوق بین الملل هستند دوم اینکه باید در چارچوب نظام حقوقی بین الملل فعالیت نمایند، زیرا هدف تشکیل شورای امنیت، حفظ صلح و نه تغییر نظم جهانی بوده است. به نظر می رسد این عقیده که شورای امنیت باید تابع هنجارهای شناخته شده حقوق بین الملل باشد به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است. به نظر اغلب متخصصین حقوق بین الملل، در صورت یک تصمیقات شورای امنیت مطابق منشور اتخاذ شود و در چارچوب صلاحیتهای مقرر در منشور بوده و با هیچ یک از اصول اساسی منشور تعارض نداشته باشد الزام آور خواهد بود. اما رویه شورای شورای امنیت تاکنون این بوده است که در اغلب موارد، حکم خود را مستند به ماده معینی از منشور ندانسته است. اما اگرچه شورای امنیت پس از پایان جنگ سرد به علت تغییر فضای بین المللی هم نقش بیشتری در برقراری نظم و هم مداخله در اموری که تا قبل از آن، جزء امور داخلی کشورها تلقی میشد ایفا نموده و می نماید، با این حال، اندک زمانی پس از تشکیل سازمان، اگرچه به طور محدود، نسبت به مسائلی تصمیم اتخاذ کرده که ضرورتا برخورد میان کشورها نبوده است. آنچه مسلم است نگاه شورا قبل و بعد از جنگ سرد دارای تفاوت‌های آشکاری است. مجموعه امنیتی منطقه ای وجود دارد این است که یک سطح تحلیلی را به سطح تحلیلی‌های قبلی اضافه می کند. در نگاه نورئالیستی سه تحلیل ملی، داخلی و بین المللی مد نظر بود و بر بعد بین الملل آن نیز تاکید بسیار شده بود، اما بعد این نظریه به عنوان حلقه چهارم به این حلقه اضافه می شود که در آن بر اهمیت مناطق تاکید شده و اینکه ما همه چیز را بر پایه ساختار نظام بین الملل نبینیم، یعنی تحولاتی که در منطقه اتفاق می افتد را در سایه ساختار نظام بین الملل و آن نگاه نورئالیستی دیده نشوند و خود مناطق نیز موجودیت پیدا کنند و نقش آفرین شوند. سومین ویژگی که در نظریه مجموعه امنیت منطقه بررسی می شود بحث نگاه سازه انگارانه است که بری بوزان سعی می کند در این دیدگاه از آن نگاه نورئالیستی صرف فراتر برود و فرایند امنیتی و غیر امنیتی کردن مسائل را برجسته کند و در کنار این فرایند بحث الگوهای دوستی و دشمنی را که میتواند تعیین کننده نوع توزیع قدرت در آن منطقه باشد را ترسیم کند. در واقع گزاره‌هایی که در نگاه نورئالیستی مطرح نم ی‌شود را از رویکر سازه انگارانه وام میگیرد و اضافه میکند به دیدگاه خودش و سعی میکند در این نظریه به آن پردازد و افزون بر این هم مولفه‌های مادی و هم مولفه‌های معنایی در کارش در کنار هم قرار میگیرد. مناسبات بین دو کنشگر در یک منطقه خاص نیز قائل به این است که باید به هر دو وجه توجه شود، مخصوصا الگوهای دوستی و دشمنی که میتواند نوع توزیع قدرت را هم تعیین کنند و نقش کلیدی داشته باشند. (سازمند، ۱۳۹۵)

۳- وابستگی متقابل و دستاورد مطلق، نهادگرایی

یکی از تفاوت‌های جدی مکاتب نواقع‌گرایی و نهادگرایی نولیبرال در روابط بین الملل به موضوع همکاری مربوط می‌شود. پیروان نهادگرایی نولیبرال بر خلاف طرفداران نواقع‌گرایی معتقدند که در روابط بین الملل، حتی در شرایط هرج و مرج و فقدان حاکمیت مرکزی در سطح جهان، می‌توان با کمک نهادهای بین المللی به همکاری‌های بین المللی دست یافت. این تفاوت نگاه به همکاری حاصل اختلاف نظر این دو مکتب درباره دستاوردهای مطلق و نسبی است. از این رهگذر، با به کارگیری این دو دیدگاه در حوزه مبادلات انرژی به دو نگاه متفاوت «خودکفایی انرژی» و «وابستگی متقابل انرژی» رسیده ایم. (شیرخانی، خدام، ۱۳۹۳)

۴- وابستگی متقابل پیچیده

نظریه پردازان تشخیص دادند که ارتباطات و وابستگی متقابل مختلف و پیچیده فراملی بین دولت‌ها و جوامع افزایش یافته است، در حالی که تعادل و توازن نیرو در حال کاهش است اما ضروری است. در ساخت مفهوم وابستگی متقابل Nye و Keohane نیز تفاوت قابل توجهی بین یکدیگر داشتند وابستگی متقابل و وابستگی در تحلیل نقش قدرت در سیاست و روابط بین بازیگران بین المللی. (نای، ۲۰۱۱)



کوهانه و نای استدلال می کنند که کاهش نیروی نظامی به عنوان ابزاری برای سیاستگذاری و افزایش اقتصادی و اقتصادی اشکال دیگر وابستگی متقابل باید احتمال مشارکت در میان ایالات کارهای نظریه پردازان در دهه ۱۹۷۰ ظاهر شد تا به چالشی مهم برای نظریه رئالیسم سیاسی در سیاست بین الملل تبدیل شود. از نظر نظریه پردازان فعلی بنیادی شد که این دسته بندی می شود لیبرالیسم (روابط بین الملل) ، نئولیبرالیسم ، و نهادگرایی لیبرال . نقدهای سنتی لیبرالیسم اغلب در کنار نقدهای رئالیسم سیاسی تعریف می شوند . هر دو آنها ماهیت اجتماعی روابط بین دولت ها و ساختار اجتماعی جامعه بین الملل را نادیده می گیرند . با ظهور اقتصاد نئولیبرال ، بحث ها و لزوم روشن شدن نظریه روابط بین الملل ، کوهانه اخیرا خود را صرفایک توصیف کرده است نهادگرا هدف این نظریه توسعه است جامعه شناختی دیدگاه ها در معاصر نظریه روابط بین الملل . نظریه های نهادی لیبرال ، نئولیبرال و لیبرال همچنان بر سیاست بین الملل تأثیر می گذارند و از نزدیک با رئالیسم سیاسی گره خورده اند . (فارل ، ۲۰۱۹)

نظریه پردازان لیبرالیسم وابستگی متقابل معتقدند ارتقای رشد و شکوفایی اقتصادی، مقابله با گرمایش جهانی، توقف گسترش سلاحهای کشتار جمعی و مبارزه با بیماریهای فراگیر برای هیچ دولتی، هر قدر هم که قدرتمند باشد، به تنهایی امکان پذیر نیست. در این شرایط دولتها مجبور به همکاری و تکیه بر تلاشهای جمعی هستند. نظریه لیبرالیسم وابستگی متقابل به اهمیت تجارت و روابط اقتصادی اشاره دارد. بنابر این نظریه، تجارت آزاد دارای فواید چشمگیری است زیرا به هر کشور این امکان را می دهد که به تولید تخصصی کالاها یا خدماتی بپردازد که بهترین شرایط را برای خود ایجاد کند. بر این اساس، تجارت آزاد منجر به شکل گیری وابستگی متقابل اقتصادی دولتها به یکدیگر و همکاری بین آنها میشود. این وابستگی میتواند هزینه مناقشات بین دولتها را افزایش داده و در نتیجه مانع از شکل گیری تفکر اقدام به جنگ شود. (هییود، ۲۰۱۱)

نهادگرایان نئولیبرال معتقدند سازمانهای بین المللی، رژیم ها و قوانین بین المللی می توانند فضای مسالمت آمیزی را برای حل و فصل اختلافات ایجاد کنند. آنها معتقدند با شکل دهی به سازمانهای مشترک می توان از ایجاد جنگ جلوگیری کرد. بنابراین نهادگرایی نئولیبرال رهیافتی است که بر نقش نهادها (اعم از رسمی و غیررسمی) تأکید دارد. بنابراین همکاری نسبتا پایدار میان بازیگران میتواند به واسطه ایجاد هنجارها، رژیم ها و نهادهای مشترک ایجاد شود. (درزویس کاتی و هکاران، ۲۰۱۷) زیرا حضور نمایندگان کشورها در نهادها و همچنین در ایجاد رژیم های بین المللی، منجر به شکل گیری فضایی برای گفت گو و توجه به منافع کشورها می شود و زمینه ثابت در نظام بین الملل و جلوگیری از جنگ را فراهم می آورد.

۵- تحلیل سوات در مورد منطقه گرایی و تاثیر آن بر صلح و امنیت بین الملل

آنچه تا امروز ضامن بقای آدمی در طول تاریخ بوده است رشد آگاهی بوده، رشدی که در خط افقی و روبه جلوی تاریخ است البته در نظامی آزاد، به اصل وحدت و اصالت جامعه رسیده که این امر موجب ایجاد عدالت اجتماعی و فردی شده است. ما با ترسیم هرمی که اضلاع آن به ترتیب نوک هرم آزادی، عدالت و اجتماع است در ارتباطات و کسب آگاهی به صلح جاوید می‌رسیم. امروزه بنابر اراده‌ی تابعان حقوق بین‌المللی، یک بروکراسی در حال رشد تعریف شده است که نقض و تهدید صلح در چهارچوب آن تعریف می‌شود. در پایان راهکار عملی و کارا برای ایجاد صلح ارئه می‌گردد. برای ایجاد صلح جاوید می‌بایست آزادی ارتباطات را تا حد جنون آسایی افزایش داد و آن را جزئی از حقوق اولیه بشر و از قواعد امره حقوق بین‌الملل دانست. آنچه سنتز صلح را تسریع می‌کند همین برخورد ملت‌ها و ایجاد آگاهی است. در قرن ۲۱ مساله امنیت و صلح بین‌المللی دارای اهمیت ویژه‌ای دارد و با جنگ‌هایی که در آغاز این قرن رخ داده اهمیت این پژوهش را بیشتر آشکار می‌کند. از آن جا که نظام بین‌الملل در این قرن تحت تاثیر مواردی مانند سرعت گرفت امر جهانی شدن و از پا افتادن و رنگ باختن ناسیونالیسم‌های رادیکال و نیل به سوی امنیت حقوقی و ساختارگرایی در حقوق بین‌الملل و در هم تنیدگی و همگونی سازی قوانین و حتی مبانی اعتقادی اوج گرفته، جامعه جهانی را متوجه این امر نموده است که «صلح به از جنگ و داوری» از این رو کلیه اعضای جامعه بین‌المللی خود را ملزم به فیصله مسالمت آمیز اختلافات خود با یکدیگر نموده‌اند. در حالی که تحول مفهوم امنیت همچنان ادامه دارد و عملیات حفظ صلح بیشتر و بیشتر گسترش می‌یابد، سیستم به طور فزاینده‌ای برای مقابله با تهدیدات و ثبات در جهان تلاش می‌کند. بنابراین برای روشن شدن بیشتر موضوع در مورد زمینه‌های توجیهی صلح در قرن ۲۱ در مورد اینکه آیا در حقیقت مشکلات حفظ صلح چند بعدی و محدود به نقص‌های اداری و فنی است که می‌توان از طریق تنظیمات سازمانی اصلاح شود یا در رابطه با مسائل اساسی تطبیقی امنیت و تحول مفهوم آن است در جهانی سازی دنیای ما و رشد خرد و آگاهی جمعی که موجب باز تعریف ارزش‌ها و هدف‌های جامع بشری شده است. (علیخانی، ۱۳۹۷) در تعاریف ایجابی صلح از تعاریف صرفا دیالکتیکی که صلح را متضاد جنگ در نظر می‌گیرند فراتر می‌روند و در عوض بر صلح به مثابه وضع آسودگی، یکپارچگی یا اکمال تمرکز می‌کنند. صلح برخاسته از نظم آرام و عادلانه ناظر است به چیزی همچون حالت یکپارچگی یا انسجام که در آن همبستگی، احترام متقابل و ارضای نیازها در کار است. در این نگرش به صلح، اجتماع اصیل و شکوفایی انسان در میان است. یک دغدغه محوری از منظر صلح ایجابی، فعالیت در زمینه‌ی آموزشی صلح و نیز در زمینه میانجیگری و رفع کشمکش به به شیوه‌های عاری از خشونت است. دغدغه‌هایی مرتبط با آن ناظرند به اهمیت عدالت با تمرکز ویژه بر عدالت ترمیمی و عمارت کردن اجتماع. آرمان ایجابی صلح می‌تواند ناظر به فراسوی قلمرو صرفاً سیاسی باشد و استحاله معنوی را هدف قرار دهد. این امر در گفتارهای مسیحی مربوط است به صلح الهی که از هر فهمی فرا می‌گذرد (مثلاًدر، نامه به فیلیپیان ۴. ۷) و در آیین بودا به ایده اعلام شده از جانب تیج نات هان «در صلح بودن» مربوط می‌شود که با آداب و مناسک بودایی پیوند دارد. دلایلی لاا ما ادعا می‌کند که صلح چیزی بیش از غیاب جنگ است و بینش خود در باب صلح جهانی را با زیستن در صلح و صفا به مثابه وضعیتی ذهنی پیوند می‌دهد: «صلح نوعی حالت آرامش است که مبتنی است بر احساس عمیق امنیت از فهم متقابل، مدار با دیدگاه دیگران و احترام به حقوق ایشان ناشی می‌شود»

این مطلب ارتباط نزدیکی دارد با آرمان ثبات اجتماعی اما دلایلی لایا آن را به فرایند عمیق تر استحاله‌ی شخصی نیز پیوند می‌دهد. (علیخانی، ۱۳۹۷)

ماتریس SWOT منطقه گرایي و امنیت بین المللی

نقاط ضعف (w) W۱ عدم همکاری های لازم در محیط بین المللی W۲ عدم آگاهی لازم در رابطه با حقوق منطقه در بین کشورها W۳ عدم تیم های مشترک بین منطقه ها و عدم همکاریهای لازم در رابطه با مسائل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی W۴ کمبود منابع در برخی مناطق W۵ عدم وجود ساختار مشترک بین کشورها W۶ عدم تبادل همکاری در جهت صلح و امنیت W۷ عدم باور به اعتقادات مشترک انسانی و نبود اراده واقعی برای حل مسائل	نقاط قوت (S) S۱ مجهز شدن کشورها به سیستم های همکاری و تجهیزات جهت همکاری S۲ تجهیز بیش از ۹۰ درصد نهاد های مشترک بین کشورها در جهت راهکارهای ویژه در زمان بحرانی S۳ توجه به اطلاعات لازم و کارساز در روابط منطقه ای S۴ تامین کلیه امکانات سخت افزاری در سیستم سازمانی منطقه S۵ وجود پتانسیل های انرژی و تولیدی و خدماتی در منطقه و محیط بین المللی	عوامل داخلی فرصت ها (O) O۱ وجود باور و اعتقاد مشترک دینی و فرهنگی O۲ وجود مزیت های مشترک اقتصادی که حاصل موقعیت جغرافیایی و منابع انرژی است O۳ وجود نیارهای مشترک و سیستم های تبادلاتی نزدیک و کم هزینه O۴ امکان شکل گیری قرارداد های مشترک با توجه به به اینکه هر گونه تحول مثبت یا آسیب رسان در منطقه می تواند هریک از اعضای منطقه را مورد تاثیر قرار دهد.
استراتژی های WO ST۹ بازنگری به نوع و نحوه بهره گیری از مشارکت های کشورها در توسعه و تهیه و اجرای طرح های صیانت از دستاوردهای حقوقی منطقه ای ST۱۰ تامین سرمایه لازم جهت پیشبرد اهداف صلح و امنیت بین المللی ST۱۱ آموزش و اطلاع رسانی نیروها و افراد درگیر با مسائل حقوقی و امنیتی ST۱۲ رصد مداوم پروسه ی ایجاد شده جهت اطمینان از داشتن اثر گذاری لازم و پیشرو بودن	استراتژی های SO ST۱ توسعه منابع انسانی که بتوانند هرچه بیشتر مشترکات حقوقی، سیاسی و فرهنگی را تقویت نموده و جهت های توسعه ی ارتباط حقوقی را ایجاد نمایند. ST۲ گریز از راهکارهای حقوقی ناکارآمد که توان ایجاد یک سیستم کارآمد را از منطقه گرفته است. ST۳ ایجاد شبکه گسترده ی تبادل امور حقوقی و صیانت از تداوم چرخه ی کارآمدی محتوا و ساختارهای حقوقی ST۴ چابک سازی فرآیند های ساختاری حقوقی منطقه و ایجاد تغییرات ضروری متناسب با شرایط و پتانسیل زمانی	تهدیدها (T)
استراتژی های WT	استراتژی های ST	

ST۱۳- مراقبت و محافظت از دستاوردهای مشترک	ST۵ اطلاع رسانی و توسعه ی ارتباطات	T۱. وجود تشست آرا و نظرات و باورهای فردی و گروهی
ST۱۴- ترغیب کشورهای منطقه در جهت همکاریهای داخلی و خارجی	ST۶- استفاده صحیح از پتانسیل های کارآمد منطقه	T۲. عدم وجود نیروهای تحصیل کرده متخصص و اثر گذار
ST۱۵- انجام اقداماتی جدی از طرف نیروهای متخصص و نهادهای مختلف در جهت احیا و توسعه روابط حقوقی کشورها	ST۷- پایبندی به تامین امنیت و حراست از دستاوردهای حقوقی	T۳. کهنگی سیستم های حقوقی و امنیتی و سیاسی
T۱۶- تخصصی سازی فرایند قرار دادن نیروها در سازمانهای مشترک	ST۸- نگاه مشترک و مسالمت آمیز به کارآمد بودن حل مسئل و تولید راهبردهای حقوقی و امنیتی	

۶- نتیجه گیری

توسعه ی مشترکات حقوقی و ایجاد سازمانهای تاثیر گذار که ضمن داشتن چابکی از محتوای قانونی موثر با قابلیت هماهنگی با شرایط منطقه ای کشورها را داراست می تواند با توجه به نزدیکی باورها و فاصله های جغرافیایی امکان ایجاد کنوانسیون های مشترک را فراهم سازند. این مساله ضمن برآوردن نیازهای ضروری حقوقی و امنیتی در مناسبات و موجودیت سیستم ها و کشورها باعث حل معضلات امنیتی و حقوقی از طریق اصلاح ضعف ها و کمبودهای توافقات بین المللی در سطح منطقه می شود. با تجمیع کشورهای منطقه این امکان که نیازها، معضلات و تجربه های خود را در زمینه ی اجرای حقوق سخت و حقوق نرم ارائه می نمایند باعث ایجاد آگاهی و تفاهم مشترک می گردد. چنین مواردی با روشنگری باعث می شود که نیروی انسانی متخصص به خلق فرآیند ها و محتویات حقوقی متناسب با منطقه را خلق نمایند. و این تداوم ارتباطات باعث حل تدریجی مشکلات و مناسب سازی و اصلاح امور حقوقی در ابعاد مختلف و شرایط زمانی مختلف می گردد. منطقه گرایی از طریق کاهش هزینه در زمینه ایجاد نهاد ها و منافع آنها در امنیت بین الملل باعث می گردد که کشورها در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی به یک وابستگی متقابل برسند که این دستاوردها باعث پیوندی پایدار جهت حفظ حیات حقوقی و امنیتی آنها شود چرا که هرگاه مناسبات امنیتی بر اساس مشترکات حقوقی اثر گذار ایجاد شود منافع مشترک را به دنبال خواهد داشت و توسعه را در ابعاد دیگر به همراه خواهد داشت. باور مشترک حقوقی باعث خلق امنیت در ابعاد مختلف می شود و امنیت در ابعاد مختلف باعث توسعه و خلق ثروت می شود. زمانی منطقه گرایی گسترش یابد امنیت و صلح در تمام کشورها حاکم خواهد شد. منطقه گرایی و تاثیر آن بر صلح و امنیت بین الملل در اینجا روشن و پاسخ سوال تحقیق که تجمع کشورها در قالب واحدهای منطقه ای چه تاثیری بر صلح و امنیت بین المللی می گذارد؟ به وضوح داده می شود.

مراجع

- آقای، سید داوود، رحیم زاده اصغر. (۱۴۰۰). کارکرد صلح و امنیت بین المللی در سایه عوامل تهدیدآفرین در عرصه نظام جهانی، نشریه: فقه و حقوق نوین، دوره: ۲، شماره: ۷، صفحه شروع: ۱۲۷، صفحه پایان: ۱۵۴
- سازمند، بهاره. (۱۳۹۵). مجموعه امنیتی «بری بوزان» مدل استاندارد برای مطالعه خلیج فارس است. نشست روابط کشورهای خلیج فارس.
- حسینی، سیده لطیفه. (۱۳۹۴). نقش منطقه گرایی در حفظ صلح و امنیت منطقه ای: با تاکید بر نقش سازمان همکاری اسلامی در منطقه خاورمیانه، نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب « شماره ۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۸). تحول در نظریه های منطقه گرایی، نشریه: مطالعات اوراسیای مرکزی، سال: ۱۳۸۸، دوره: ۲، شماره: ۵، صفحه شروع: ۹۹-۱۱۶
- فارل، هنری؛ نیومن، ابراهام ال. (جولای ۲۰۱۹). "وابستگی متقابل با سلاح: شبکه های اقتصادی جهانی چگونه شکل دهنده زورگویی دولت هستند، امنیت بین المللی، ۱۶۲-۲۸۸۹. ISSN +۱۶۲ / isec_a_۰۰۳۵۱. ۱۰.۱۱۶۲ / SYCID ۱۹۸۹۵۲۳۶۷.
- علیخانی، حمید. (۱۳۹۷). کتاب مفهوم صلح و امنیت بین المللی، انتشار قانون یار، تعداد صفحه، ۱۴۸.
- نای، جوزف اس. (۲۰۱۱). قدرت و وابستگی مجدد. کلاسیک های لانگمن در علوم سیاسی.
- Dirzauskaite, G; Ilinca, N. C. (۲۰۱۷). Understanding "Hegemony" in International Relations Theories: Comparative Analysis of Realism, Liberalism and Gramscian Approaches of Hegemony. M.Sc. Thesis, Aalborg University, Denmark.
- "Terrorism Measures: the Quasi for Legitimacy and Cohesion" (۲۰۱۷) No.۶, the European Journal of International law, Vol.۱۹, p.۷